

سلسبیل

معصومه جوادى نسب

تاریخ شفاهی تهران / ۱



میراث‌نامه
عنوان و نام پدید آور:
میراث‌نامه
موضوعات نامی:
موضوعات ظاهری:
نویسنده:
ویراسته‌گر: فهرست نویسی:
مکان نشر:
موضوع:
عنوان:
زبان:
روش نگارش:
زمانه نگارش:
مکان نگارش:
تاریخ نشر:
تعداد صفحات:

جوادای نسب، معصومه، ۱۳۶۰ -
سلسبیل: تاریخ شفاهی تهران / نویسنده معصومه
جوادای نسب
تهران: میراث اهل قلم، ۱۳۹۴
۱۹۶ص: ۱، مصور.
جلد ۱: ۶-۷۱-۶۳۲۷-۶۰۰-۹۷۸
دوره: ۹-۷-۶۳۲۷-۶۰۰-۹۷۸
فیبا
۱-ج تاریخ شفاهی تهران
سلسبیل
تاریخ شفاهی - ایران - تهران
محلله ها - ایران - تهران
DSR ۲۰۷۹ هر ۸۹ ج ۱۳۹۴
۹۵۵/۱۲۳
۴۰۶۴۰۵

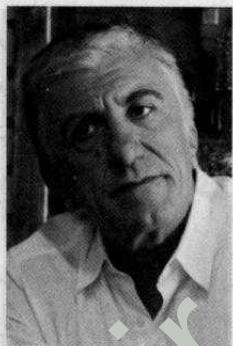
[illegible]

فهرست

۹	دیباج: خاطرات در روز مردم، شناسنامه فردا / رضا کیانیان
۱۱	دیباجه: جوهر و آب و آتش / مظفری / نصرالله حدادی
۲۱	مقدمه نویسنده: شرح خوانی مردم گاری و تاریخ شفاهی
۲۵	چند روایت از اولین های سلسیل
۳۳	قهوه خانه ای به بزرگی وطن
۴۳	پاتوق نشینان قدیمی محله سلسیل
۵۱	قدیمی ترین زورخانه تهران در سلسیل
۵۵	شب تولد خورشید در حلقه موسیقی استاد ژاله
۷۱	تقالی و پرده خوانی از سلسیل تا قزوین
۷۷	نزدیک به یک قرن تاریخ در آلبوم عکس موزه هفت چنار
۷۵	از محاکمه احمد شاملو تا همسایه ورزشی در سلسیل
۸۵	خاطرات پرده نقره ای و سینماهای تعطیل شده
۹۳	راسته کفش فروشی ها در شمال سلسیل
۹۹	دیدار با «پروین میکده» در خیابان جیحون

۱۰۵	مار - قدیمی سه مسجد
۱۱۳	نسب از یک خانواده در کارگاه «الکترو آبراهامیان»
۱۱۹	لارین تا سسل اقلیمساز آلمانی
۱۲۳	سیزده پدرها - قدیمی اطراف سلسبیل
۱۲۹	گنجوی‌ها و کاروان‌ها به روایت معلم قدیمی سلسبیل
۱۳۳	خیاط شاعر محله هاشم
۱۳۹	کاسوایی‌های مقیم تهران و نرم‌فرن تعزیه خرائی حاج عباس
۱۴۷	پدر و پسر چاپخانه‌دار خیابان آذربایجان
۱۵۱	چهره‌های انقلاب در کوچه پس‌کوچه‌های تهران
۱۵۹	از دکورسازی در تئاتر شهر تا نجاری در سلسبیل
۱۶۳	از حسینی زرخردی‌ها و انجیل‌های‌ها تا چادرهای چای
۱۷۱	فرمانده شهید متولد سلسبیل
۱۸۱	عکس‌های قدیمی سلسبیل از آلبوم محمود حبیبی
۱۸۷	عکس‌های قدیمی سلسبیل و خوش از آلبوم محمدعلی اسدزاده
۱۹۳	چهره‌های سلسبیل

خاطرات دیروز مردم شناسنامه فردا



رضا کیانیان
بازیگر سینما تلویزیون

شهر را خاطرات مردم می‌سازد. کوچه‌ها و محله‌ها را؛ خاطره‌ها را.

تاریخ شهر، تاریخ مردم است. خاطرات مردم، تاریخ زندگی و زیست محله‌های ماست. چه خوب است پای خاطره‌خاطره این مردم نشستن تا خاطره‌ها جمع شوند، تدوین شوند و بمانند...

ما از تاریخ شهر غافلیم. هر چیز اصیل زیباست ری متأسفانه در تهران هر چه قدیمی است و ارزش دارد خراب می‌کنند و به جایش یک بنای اصالت‌م‌مازند.

تصویر درد، حویلی‌ها و زیبایی‌های خاطرات مردم شهر باعث می‌شود، ما آینده داشته باشیم. شهر و شهر، شناسنامه داشته باشند. تاریخ تهران ساختمان‌های قدیم است؛ ساختمان‌هایی که در دوره حاج‌آقا و شاه به وجود آمده ولی بعدها تخریب شدند. بی‌هویتی را برای شهر به وجود آورند.

سلسبیل دیروز یا رودکی امروز یا تک‌تک محله‌های نامدار تهران، فقط یادآور دیروز نیست. خاطره‌های کوچه‌ها و محله‌ها، هویت

ماست. محله‌های با هویت و میراث تاریخی‌ای که فراموشش کرده‌ایم. مردم و دولتمردان در جهان در حفظ هویت و میراث تاریخی خود می‌کوشند. آنها در جمع‌آوری خاطرات مردم و تاریخ شفاهی شهرهایشان کوشا هستند؛ اما ما عادت به تدوین خاطره‌ها نداریم.

تدوین این خاطره‌ها یعنی شناسنامه‌دار کردن این شهر. یعنی ما دیروزی داشته‌ایم. وقتی دیروز داشته باشیم، امروزمان قابل شناسایی است و وقتی امروزمان را شناختیم یعنی آینده داریم. نه غره‌ها؛ مردم دیروز، فردای مردم امروز ما را می‌سازند.

جی بیرونک و اراضی مظفری



نصرت الله حدادی
محقق و زبان شناس

تهران محدود شده در حصار شاه تهماسبی، کمتر از ۱۲ کیلومتر مربع وسعت داشت و از شرق به خیابان ری، از شمال به خیابان امیرکبیر و امام خمینی، از غرب به خیابان وحدت اسلامی (شاهپور) و از جنوب به خیابان مولوی محدود و ختم می شد و هنوز هم در نزدیکی تنها دروازه نیمه مخروبه روزگار قاجار - دروازه نو - در نزدیکی میدان محمدیه می توان نشانی از حصار را مشاهده کرد که قریب به ۵ قرن دوام آورده و کاملاً از جنس خشت خام است و سرانجام آن در بهار دروازه آن روزگاران تهران، در سال ۱۲۴۶ شمسی (۱۲۸۴ ق) عمرش به سر آمد و ناصرالدین شاه تصمیم گرفت شهر را از چهار سو به هر جهت هزار متر گسترش دهد و بین کا، به مدت ۴ سال به طول انجامید و تهران به ۱۱ باره و وسعت قریب به ۳۲ کیلومتر در داخل حصار ناصری رسید. محدوده تهران عصر ناصر، در جنوب به خیابان شوش، در غرب، به خیابان کارگر (۳۰ متری نظامی)، در شرق به خیابان ۱۷ شهریور (شهیاز) و در شمال به

خیابان انقلاب ختم می‌شد و این محدوده با یک شیب از حوالی چهارراه کالج به حوالی میدان باغشاه (میدان حر) فعلی می‌رسید و این گونه نبود که تهران عصر ناصری کاملاً مستطیل شکل باشد.

سرانجام این حصار ناصری نیز بعد از ۶۰ سال عمر، طی سال‌های ۱۳۰۶ شمسی تا سال ۱۳۰۹، پایان پذیرفت و خندق کنار برج و باروی حصار ناصری به همت مردم، آن هم با تشویق آنان به تصاحب زمین پر شده در محدوده خندق به طرحی بر سرط پر نمودن، کاملاً تخریب شد و تهران تبدیل به شهری بدون دیوار وازه شد. از همان هنگام از چهارسو شروع به رشد کرد. ابتدا منطقه جنوبی و سپس غربی مورد توجه قرار گرفت. به علت خرابی آب و هوایی شمال تهران، این منطقه رو به آبادی گذارد و سرانجام شرق تهران به عنوان الگوی شهرسازی نوین - مثل پارس و نارمک و فلکه هفت حوض - مد نظر مسئولان رفت قرار گرفت و تهرانی شد که امروز شاهدش هستیم.

عمل نابخردانه تخریب دروازه‌های تهران که باعث از بین بردن آثار روزگار قاجار انجام گرفت، موجب شد تا آثار تاریخی را از کف بدهیم و چنانچه این دروازه‌ها به جا می‌ماند، امروز علاوه بر آنکه می‌توانستیم محدوده دقیق تهران را برای نسل حاضر به تصویر بکشیم، این امکان نیز وجود داشت که جاذبه‌های گردشگری خاصی را نیز در تهران بیابیم؛ چه اینکه هنوز هم دروازه شهر قزوین و دروازه به جای مانده در شهر سمنان از روزگار قاجار، از جاذبه‌های گردشگری این دو شهر است.

به رغم بازسازی دروازه قرآن شیراز و احداث جاده کنارگذر در جنب این دروازه قدیمی، بسیاری از گردشگران و اهالی بومی به این محل کشانده شده و این امر خود مؤید این نکته است که تخریب دروازه‌های تهران، تا چه حد در از بین بردن هویت پایتخت ایران نقش داشته و امروز که دروازه میدان مشق - سردر باغ ملی - به عنوان یک اثر حفاظت شده ملی تلقی می‌شود، هر روزه تعداد زیادی بیننده و گردشگر را به خود جلب می‌کند، نشان‌دهنده ارزش تاریخی این گونه آثار است. در محدوده غرب تهران تا سال‌های قبل از ۱۳۲۰ چندان آگاهی را شاهد نبودیم و تنها ساخت کارخانه تولید سیگار خاکیات - در خیابان قزوین در دهه دوم قرن حاضر، باعث توجه مردم به این اراضی شد. حتی با توجه به بقاع متبرکه امامزادگان - ص ۶، حسن (ع)، شیخ عبدالله و... در این منطقه جمعیت چندانی ساکن منطقه نبودند، این در حالی است که امامزاده مدفون در اراضی جی بیرونک، قریب به ۵۰۰ سال دارای هویت تاریخی است و از اولاد و احضار امام محمد باقر (ع) شمرده می‌شود.

اراضی جی که امروز در مناطق ۱۰ و ۱۷ شهرداری تهران تقسیم‌بندی شده‌اند، تقریباً تا اراضی طرشت و حوالی مجمع شیخ عبدالله - در حال حاضر اراضی بالادست میدان آزادی و جنب دانشگاه صنعتی شریف - امتداد می‌یافتند. بخش عظیمی از منطقه، مزارع کشاورزی بود. نگارنده در دهه ۱۳۳۰ شمسی به خوبی به یاد دارم اکثر خانه‌های این منطقه، یک طبقه و ساخته شده از خشت و گل بود و تا

چشم کار می‌کرد، اراضی و مزارع کشاورزی وجود داشت. اراضی محدوده خیابان‌های سلسبیل (رودکی فعلی)، قصرالدشت، جیحون و اطراف آن را در روزگار مظفرالدین شاه قاجار، به نام اراضی مظفری می‌شناختند که در تصرف محمودخان مشیرالحکما* معروف به حکیم‌الملک، یزشک مخصوص مظفرالدین شاه قاجار بود و اراضی شرق آن متعلق به ارباب جمشید زرتشتی و جنوب آن متعلق به امین‌الملک بود که در حال حاضر نیز دو راهی قبان در سمت جنوب و منتهی - امامزاده حسن (ع) را به همین نام - امین‌الملک - می‌شناسند و از جمله سبزه‌کارهای معروف تهران در روزگار قاجار و اوایل پهلوی اول بود.

مرحوم عبد "جت رعی" در اثر ارزشمند خود، تهران قدیم درباره اراضی بخش شرقی دهستان طرشت و زمان مظفرالدین شاه می نویسد: «محمودخان حکیمالملک، عموی ابراهیم خان حکیم الملک (حکیمی) هداخیر و مشهدی کاظم مغازه با شرکت یکدیگر زمینی به مساحت ۶۰۰۰۰ متر مربع [بیش از ۳ میلیون متر مربع و هر ذرع معادل ۱۰۰ متری] از طرشتی ها خریدند که شمال خیابانی است که از دیواره باغشاه تا طرشت می رود [خیابان آذربایجان فعلی در سمت غرب] جنوب خیابانی که از جنوب باغشاه تا شمال اکبر آباد می رود [خیابان های کمالی و کاشان به سمت غرب] در سمت شرق دیوار باغشاه است [خیابان اسکندری فعلی] و در سمت غرب رودخانه خشکی است که از سمت شمال به سمت اراضی امامزاده حسن می رود [احتمالاً نهر فیروزآباد که در حال حاضر

از زیر خیابان جنوبی به موازات خیابان مالک اشتر از بزرگراه
آیت‌الله سعیدی به سمت میدان مالک اشتر (آریانای سابق)
می‌گذرد.]

این محل را خیابان‌بندی کردند: خیابان شمال و جنوبی را
اسکندری می‌گویند که متصل است به دیوار باغشاه. خیابان
دیگری که با همین خیابان موازی است، خیابان سلسبیل
می‌گویند.

باز خیابان دیگری است در همین اراضی که از شمال به جنوب
سواره و چون آثار قلعه و بنا قریه‌ای روی زمین بود، آن را
خیابان قصرالدشت گفتند و خیابان دیگری که به آن رودخانه
خیابان متصل است، خیابان جیحون گفتند. خیابان دیگری
که از شمال به جنوب می‌رود و تقریباً بقعه امامزاده حسن (ع)
پیداست، آن را خیابان دارسلام نامیدند.

از اراضی مظفری دیروز - سلسبیل امروز

وجه تسمیه این سرزمین به اراضی مظفری - ای این است که
حکیم‌الملک طبیب مظفرالدین شاه بوده و معالجه مردم در زمان
حیات مظفرالدین شاه انجام شده است.

خیابان سلسبیل را که امروز به نام رودکی می‌شناسیم مرکز
فروش انواع و اقسام لباس - به خصوص زنانه - شده است.
۶۰ سال پیش به علت عدم دسترسی به آب، چندان آباد نبود
و به رغم عبور چندین رشته قنات که از شمال غرب تهران
سرچشمه می‌گرفتند - مثل قنات بریانک، قنات فرمانفرما،
قنات میرزا عیسی وزیر، قنات ناصری یا قنات شاه، قنات

کوثریه و... - زمین‌های آن بسیار ارزان بوده و پس از لوله‌کشی شدن آب تهران طی سال ۱۳۴۰-۱۳۳۴ شمسی این اراضی رو به آبادانی گذارد. هرچه به سمت غرب می‌رفت، به علت سر و صدای حاصل از فراز و فرود هواپیماها، کمتر مورد اقبال قرار داشت و به دلیل افزونی جمعیت ساکن و مهاجم، تمامی اراضی کشاورزی این منطقه تبدیل به اماکن مسکونی و تجاری شدند و نگارنده به خوبی یاد دارد اراضی پایین‌دست پادگان جی - که از رودخانه کن مشروب می‌شد و کاملاً در اختیار شش پهلوی اول و دوم بود - محصور از درختان سرسبز و بلند بود و اصطلاحاً به آن منطقه «جنگل» می‌گفتند از ابتدای ده ۳۵۰ هجری بعد تمامی اراضی کشاورزی بنیان‌کن شدند و از بین رفته و ام‌وزیک منطقه کاملاً مسکونی و تجاری است و در بخش سی‌۱ آن به گراه یادگار امام شکل گرفته است.

نکته جالب توجه در این منطقه و اراضی نزدیک به آن چهارراه خوش است که در تصویر به جا مانده، این چهارراه در اوایل



گاری آب شاهی
چهارراه خوش - ۱۳۳۰
سفید روی عکس
زمن طه تک
«سول» است.

دهه ۱۳۳۰ شمسی به علت عدم دسترسی به آب لوله‌کشی، گاری آب‌شاهی*، مشغول گشت‌زنی و فروش آب است و در تابلو نوشته سمت بالای آن علامت طشتک «پِسی‌کولا» و جمله پِسی بنوشید خودنمایی می‌کند و از آنجا که این کارخانه در بالادست اراضی مظفری در همان سال‌ها توسط عوامل فرقه خاصی ساخته شده بود و مردم بنا به فتوای علمای اعلام از خریدن و خوردن این نوشابه گازدار خودداری می‌کردند و رقیب آمریکایی این کارخانه - کانادادارای - نیز در این عرصه بسیار هوشیار بود، به همین دلیل تابلوی «پِسی بنوشید» در جایی که تران فانت آب سالم آشامیدنی بود، بسیار باعث تعمق و تأمل و تفکر می‌نمود. آب نداشتیم اما پِسی به خوردمان می‌دادند!

در دهه ۵۰ شمسی از آنکه تهران دارای آب لوله‌کشی به صورت کامل نبود، در سر چهارراه گلی - تقاطع جیحون با مالک اشتر - آب یکم از نایب‌های جاری در این منطقه را به داخل لوله نسبتاً قطری هدایت کرده بودند که در سر این چهارراه به شدت فوران می‌کرد و ساکنین منطقه که در روزگاری نه‌چندان دور، مجبور بودند آب‌ها را در رجوی‌ها را در آب‌انبارهای خانگی ذخیره ساخته و برای شستن و شوی به کار برند و آب آشامیدنی خود را در قبال پرداختن به ریال برای هر سطل از گاری آب‌شاهی تهیه کنند، از کنار این بی‌تفاوتی می‌گذشتند. شب‌هنگام، این آب به کار شست‌وشوی فرش می‌آمد و بسیاری در سر این چهارراه، با استفاده از آب فراوان این قنات، فرش می‌شستند!

اراضی بالادست طرشت - ضلع شمالی خیابان آزادی - به

* فروش آب شاهی توسط کاری‌های آب شاهی، یکی از مشاغل قدیم تهران بوده است. آن زمان به خاطر مشکلاتی که مردم برای استفاده از آب داشتند عده‌ای با درشکه‌های مخصوص به محله‌های مختلف سطح می‌رفتند و آب را در قبال گرفتن، سطل به سطل مردم می‌فروختند. این درشکه‌ها در میان مردم به درشکه‌های آب شاهی معروف بود و حتی به گاری آن هم می‌گفتند گاری آب شاهی. این شغل تا زمانی دوام آورد که لوله‌کشی در تهران رایج نشده بود.

سمت دانشگاه صنعتی شریف طی دهه ۱۳۴۰ به بعد از سمت ستارخان - که آن روزها، خیابان تاج می نامیدندش - به صورت جسته و گریخته، آن هم به خاطر راه اندازی نیروگاه برق آلستوم، تک و توک صاحب خانه و ساکنین موقتی شده بود و با توجه به ساخت بنای برج آزادی، طی سال های ۱۳۵۴-۱۳۴۸، بخش اعظم این منطقه به رغم ساخته شدن دانشگاه صنعتی شریف توسط مرحوم دکتر محمدعلی مجتهدی در روزهای پایانی ۱۳۴۰ و ابتدای سال ۱۳۵۰، کاملاً بیابان و خالی از سکنه بود؛ خیابان بهبودی - که نمی دانم چرا منسویش ساختند به میمان بود، پیشکار پهلوی اول - وجود خارجی داشت و اراضی شمالی، خواص دانشگاه شریف «بر و بیابان» بود و اصلاً خیابانی به نام رنجار وجود خارجی نداشت.

محدوده حبیب الله: ط ۳۸، ال اخ شکل گرفته است و تنها در اراضی شهر آرا، یک آتری درش*، محله دریان نور را شکل داد و به تمام همشهری هایش پیشنهاد کرد - از خیابان آیزنهاور و شاهرضا - آزادی و انقلاب فعلی - با ۱۱۰ هکتار چه دکان دونبش و سه نبش پیدا کرده و یا می کنند، خریده و تبدیل به بقالی کنند که آینده ای روشن دارد و نظر او بسیار درست بود و به کار همشهریان دریان نشین تبریزی اش آمد و این محله شد دریان و! محدوده میدان مالک اشتر - که اسامی همچون آریانا، هخامنش و اشرف پهلوی را نیز طی زمان های قبل از این نامگذاری داشت - به سمت شمال، به میدان سپاه دانش می رفت که امروز بخشی از خیابان هاشمی و دامپزشکی است و عمر بناهای این منطقه بین ۶ تا ۷ دهه است و مدارس ساخته شده در

* حسین دریانی، بنیان گذار محله دریان نو و تاجر چای در تهران بوده است. خانان دریانی ها از ایران به تقلیس رفته بودند اما وقتی حکومت تقلیس کمونیستی شد، از آنجا فرار کردند و به دریان آمدند. در آن زمان در دریان تنها کشاورزی رونق داشت و چون خانان حسین دریانی، هل تجارت بودند، راهی اروپا شدند. پس از پیروزی ارتش سرخ بر ارتش سفید در اروپا در سال ۱۳۲۰ از دریان به تهران آمدند و محله ای به نام دریان نو را پایه گذاری کردند.

این محدوده با سقف‌های شیروانی، گواهی می‌دهند که در دهه ۱۳۳۰ تا ۱۳۴۰ شمسی ساخته شده‌اند.

مرحوم پدرم که در شهریور ۱۳۲۰، در پادگان جی در سن ۲۴ سالگی مدت خدمت نظام وظیفه را طی می‌کرد، برایم از روزهای اشغال ایران و سقوط پادگان جی و همچنین اراضی کشت و زرع این منطقه می‌گفت: «به علت قحطی در نخستین روزهای اشغال تهران و خطر تردد در جاده‌ها، به خاطر اشغال آنها از سوی متفقین و از آنجا که در تهران جای خاصی را نداشتیم، به بتوانم چند روزی را در آن بگذرانم، اجباراً در پادگان می‌ماندم. چون مواد خوراکی در دسترس من نبود، از میوه‌ها، صیقلیجات و حبوباتی‌های مزارع و باغ‌های اطراف پادگان جی استفاده می‌کردم. طول روز، تک و توک زارعین و اندک باغداریانی را می‌دیدم که به محصولاتشان سرکشی می‌کردند و غروب هنگام، آن‌ها سکوتی حکمفرما بود که به راحتی صدای بال زدن پرندگان را می‌شنیدم.»

محل سلسبیل، از آنجا که پشت پادگان جی واقع شده بود، این شانس را یافت که از سال ۱۳۳۸، بعد از دو سال، صاحب آب لوله‌کشی شود و همین باعث آبادانی آن شد و محدوده پادگان باغ‌شاه اولین محله محسوب شد. آب لوله‌کشی شد. سلسبیل را چه «سرسبیل» و ابتداءً آب بدانیم، چه خیابان رودکی‌اش بنامیم، امروز یکی از محلات شلوغ غرب تهران است، با بزرگراهی که در صورت ادامه به سمت جنوب شهر و اتصال به بزرگراه نواب، می‌توانست در تسهیل ترافیک این منطقه، بسیار مؤثرتر باشد.